

خشنه اتره اهورهه مزدا

ایریس تنام اوروانو یزه میده

روانشاد کیاندخت نورافروز فرزند روانشادان خداداد نورافروز و خرمن درویش به سال **1311** در شهر کرمان زاده شد. روانشاد خداداد از نخستین کارمندان تلاشگر صنعت مخابرات ایران و روانشاد خرمن درویش از نخستین بانوان اهل دانش و پژوهش در فرهنگ ایرانی و زرتشتی بود و تا هنگامی که چشم از جهان فروبست در حال مطالعه و پژوهش بود. روانشاد پورداوود در سفرهای خود به کرمان حتما با این خانواده دیدار و گفتگو داشتند و طبیعتا فرزندان که در دامن این خانواده پرورش یابند نیز از این روحیه بهره مند خواهند بود.

روانشاد کیاندخت دوران ابتدایی و متوسطه را در شهر کرمان، زمانی که این شهر چون تمامی شهرهای کشور درگیر مشکلات پس از دوران قاجار و جنگ جهانی دوم بود گذراند و همزمان با نخستین گام های رشد و شکوفایی علمی کشور جهت تحصیل در رشته مامایی به انگلستان مهاجرت نمود و با کوله باری از دانش روز جهت خدمت به هم میهنان به ایران بازگشت و در سال **1342** با روانشاد مهندس منوچهر نمیرانیان از نخستین پیشگامان صنعت راه و ساختمان که چون خود وی روحیه ای تلاشگر و مقاوم داشت پیوند زناشویی بست.

حاصل این پیوند دو فرزند برومند و نمونه خانم دکتر روشنگر نمیرانیان و نوه نامدارشان کیومرث (جراح متخصص مغز) و آقای مهندس بابک نمیرانیان و نوگل زیبایشان آتوسا می باشد.

روانشاد کیاندخت در طول سال های زندگی در سمت های مختلفی انجام وظیفه نمود از جمله مدیریت نخستین آموزشگاه بهیاری ایران. ایشان به طور خستگی ناپذیری در حوزه های مختلف بهداشت و درمان خدمت می کرد از جمله همزمان با داشتن سمت مدیریت آموزشگاه در درمانگاه های جنوب شهر تهران بی هیچ چشمداشتی به درمان و آموزش زنان باردار می پرداختند. بخشی از کتابشان با عنوان زن در درازنای روزگاران ماحصل تجاربشان در کنار چنین زنانی است.

روانشاد زنی به تمامی معنا آزاده بود و این روحیه آزادگی را در رگهای اطرافیان و خوانندگانش چونان خونی تازه جاری می نمود. وی یک فعال اجتماعی بود و همواره در صحنه تحولات اجتماعی کشور حضور فعال داشت و تادمی که چشم از جهان فروبست با هشیاری تمام تحولات اجتماعی ایران و جهان را دنبال می نمود. با بخشندگی، دلسوزی و دقت، مراقب تک تک اطرافیانش بود و با راستی جویی نکاتی را یادآور می شد که دیگران گرچه لازم اما از بیان آن در زندگی روز مره چشم می پوشند. ایشان ورزشکار بود و همزمان در دو رشته کوهنوردی و تنیس فعالیت ورزشی تخصصی داشت. عشق به زندگی و طبیعت در ایشان می جوشید و همواره و در هر مکان اطرافیان و دوستان را به احترام و پاسداشت طبیعت تشویق می نمود.

روانشاد کیاندخت جهانگرد بود و ویژگی پسندیده ایشان چنین بود که پس از هر سفر آموخته ها و تجارب سفرش را در قالب مقاله منتشر و در اختیار دیگران قرار می داد.

به کار نویسندگی علاقه بسیار داشت. در طول سال های زندگی مقالاتی چند از ایشان چاپ شده بود اما کار رسمی ترجمه و نویسندگی را از حدود **60** سالگی شروع کرد و همانطور که در نشست

رونمایی کتابش به علی دهباشی سردبیر مجله بخارا گفت: من از مغرب طلوع کردم، ولی خوشحال هستم که طلوع کردم. به عشق همیشگی‌اش به نویسندگی جامه عمل پوشاند. از اثر ترجمه اش می‌توان ترجمه کتاب هنر ریسک کردن (پشت هر ریسک نقطه ای از حیات می‌جوشد که ارزش ریسک کردن دارد) نوشته دیوید ویسکات و سلام بر آرزوها نوشته دیوید جوزف شوارتز و از آثار تالیفی این نویسنده: کتاب های رمان زنی که سال های عمرش را خام خورد (این کتاب با نام

The woman who swallowed her years of life totally raw توسط

H. Hosseini Meera به زبان انگلیسی ترجمه شده است.)، کوچه ای پر از آفتاب، لحظه هایی که از جنس ساعت نبودند، ناچیز شمردن زن در درازنای روزگاران و خلنگزار را نام برد. این کتاب ها در بین فرهنگ دوستان از استقبال خوبی برخوردار شدند و برخی از آن ها چند بار تجدید چاپ شده اند.

کیان‌دخت نورافروز در 31 اردیبهشت ماه (برابر با وهمن امشاسپند) سال 1404 چشم از جهان فرو بست و جامعه زرتشتی یکی از افراد شاخص خود را به مادر سپندارمذ سپرد که برای هر آن کس که او را می‌شناخت منشا اثر و اثرگذاری بود. آرامشباد به جامعه زرتشتی، ایرانی و فراتر از مرزها که به حقیقت جز این نمی‌اندیشید.